

و دین می‌داند و معتقد است، روح قومی مردمان را همین قربات‌ها تشکیل داده است؛ امری که بعدها زوال یافت و در جریان محاکمه سقراط می‌توان تضاد دین و خرد را مشاهده کرد. نتیجه چنین امری آن است که اندیشه دینی در سایه فرهنگ و تفکر اسطوره‌ای قرار می‌گیرد و همان کسانی کارگزار تبیین آن می‌شوند که اسطوره‌پردازان عصر بوده‌اند. به‌زمع ارنست کاسیرر، در میان یونانیان مسلم بود که «شاعری و اسطوره‌سازی از یکدیگر جدایی‌ناپذیر بودند» و چه‌بسا همین امتزاج است که باعث شد نه‌تنها حماسه‌های هومری از چشم یونانیان نیافتند و سرآغاز ادبیات غرب دانسته شوند، بلکه یونانیان، شاعران را «مربی قوم به‌وسیع‌ترین و عمیق‌ترین معنی کلمه» بدانند و هومر نیز «شریف‌ترین نمونه شاعر و مربی» قلمداد شود.

در طـرح هگلی، تاریخ نیز علاوه بر رابطه نزدیک میان فلسفه و دین، دین یونان باستان، هم صورتی هنری دارد و درعین‌حال امری اجتماعی است و اتحاد دین با هنر در حماسه‌های هومری و حتی اشکال تراژیک و کمدی، وقتی با سخن پیشین مبنی بر یگانگی خرد و دین ترکیب شود، شمایي از جامعه یونانی را منعکس می‌کند که بیانگر آن است که ساحات تفکر در به‌هم‌پیوستگی یگانه‌ای قرار دارند و در شعر به‌مثابه تجلی‌گاه عالی‌ترین جلوه فرهنگ اجتماعی ظهور می‌یابند. با این تفاسیر این پرسش اجتناب‌ناپذیر می‌نماید: چه نسبتی بین دو ساحت فرهنگ یونانی، شعر و فلسفه وجود دارد و آیا در شعر یونانی می‌توان نشانه‌های تفکر متافیزیکی را بازجُست؟

▼ نگرش تفکیکی کاسیرر

فیلسوفی نوکانتی چون ارنست کاسیرر قائل به تفکیک میان حوزه‌های «هنر»، «علم» و «دین و اسطوره» بود، آنان را در عین نمایندگی «یگانگی در گوناگونی» صورت‌های نمادین فرهنگ انسانی، نماینده «وحدت شهودی»، «وحدت اندیشه» و «وحدت احساس» می‌دانست و در توضیح تمایز اسطوره و علم، بر مواردی چون نبود تمایز میان اصل و فرع (پیش‌زمینه و پس‌زمینه) و تصور و واقعیت در اندیشه اسطوره‌ای در برابر جهد اندیشه علمی به «تحلیل» و «ترکیب» دیالکتیکی اشاره می‌کرد و این نکته را می‌افزود که سطوح متفاوت واقعیت در اندیشه اسطوره‌ای، به سود برداشتی از شهود وجود محض امر واقع (تأثر حسی) نایده گرفته می‌شوند.

طبق این الگو، رابطه جزء و کل و نیز فهم نگرش‌های اسطوره‌ای و علمی از بحث علّیت متفاوت بود. کاسیرر اسطوره را فاقد مقوله جهانشمول علت و معلول نمی‌دانست و حتی یکی از مبادی تفکر اسطوره‌ای را رابطه علّی می‌پنداشت، اما معتقد بود آگاهی مفهومی علم و آگاهی شهودی اسطوره، نقطه ثقل تبیین علّی را در نقاط متفاوتی قرار می‌دهند: علم در پی قراردادن پدیدار منفرد در فضا و زمان ذیل قانون عمومی است و اعتنایی به خصوصیات منحصر‌به‌فرد پدیدار ندارد، حال آن‌که پرسش مدنظر آگاهی اسطوره‌ای دقیقاً همین‌ج‌ارخ می‌نماید: «چرا» این پدیدار در «این‌جا» و «اکنون» اتفاق افتاده است؟ و ناظر به کنکاش در تفرّد و جزئیاتی است که البته قابل استنتاج از امر کلی نیستند.

دلیل تفاوت نتایج دو نگرش علمی و اسطوره‌ای به این بازمی‌گردد که مفاهیم علّی مورد استفاده نگرش علمی به‌واسطه خصلت انتزاعی‌شان؛ «نمی‌توانند بر امر شهودی -ملموس و بر پدیدارها کاملاً منطبق باشند». در تناسب با همین اختلاف، طرز بر‌خورد دو اندیشه اسطوره‌ای و علمی



سخن کاسیرر در پذیرش برآمدن لوگوس از میتوس در یونان با آن‌چه آدورنو و هورکهایمر با رد تمایز ذاتی اسطوره و فلسفه متافیزیکی به آن می‌رسند: «اثری نیست که بتواند بهتر از کتاب هومر، گواه فصیح‌درهم‌تنیدگی روشنگری و اسطوره باشد» و نیچه پیش‌تر نغمه آن را کوک کرده بود: «هومر آپولونی صرفاً در حکم ادامه‌دهنده آن فرایند است که ما تقدّر هم‌افق به‌نظر می‌رسد

با مقوله رابطه جزء و کل، متفاوت است: در اندیشه علمی، کل ناشی از اجزایش است اما در اندیشه اسطوره‌ای، «کل، اجزا «ندارد» و به اجزا تقسیم نمی‌شود؛ جزء بی‌واسطه، کل است و نقش کل را دارد... جزء همان چیزی است که کل هست، زیرا جزء وسیله واقعی اثرگذاری و کارآمدی کل است.»

▼ دو صورت اسطوره‌ای و خردورزانه زبان

دیگر نکته به‌غایت مهم در این بحث به‌مثابه حلقه اتصال دو حوزه اسطوره و علم، نقشی است که کاسیرر برای «زبان» قائل می‌شود. طبق نظر کاسیرر که یادآور نگرش‌های هرد، هومیولت و هامان نیز هست، زبان به‌مثابه قوه نمادساز اندیشه و ابزار خرد انسان سمبل‌ساز بر‌خوردار از دو وجه اسطوره‌مند و خردورز، هر دو گرایش متفاوت اسطوره‌ای و خردورز اندیشه را بر‌ملا می‌کند: «ذهن به دو صورت خود را بیان می‌کند: یکی به‌صورت منطق استدلالی و دیگری به‌صورت تخیل آفریننده» و «مغالطه و ابهام کلمات سرچشمه حقیقی تفکر اسطوره‌ای است. زبان فقط مکتب خردمندی نیست، بلکه مکتب حماقت نیز هست.»

به‌واسطه وابستگی تنگاتنگ زبان و اسطوره و نقش‌های هم‌افزایانه‌شان در تکامل اندیشه و نقش محوری استعاره در پیوند زبان و اسطوره، پاسخ کاسیرر به پرسش کارکرد استعاری زبان از این قرار است: «این کارکرد، جزئی از گفتار را نمی‌سازد بلکه بر سراسر گفتار بشر حاکم است و ویژگی آن را تعیین می‌کند... استعاره هر حله معینی از تکامل گفتار نیست، بلکه خود شرط ضروری هرگونه گفتار است» اما درعین‌حال به‌دلیل پیشرفت ذهنیت بشر و توان مفهوم‌سازی انسان، گسست زبان و اسطوره باعث می‌شود وجه اسطوره‌ای زبان در سایه وجه منطقی آن مستتر شود،

هرچند ابعدای از تجدید آن رابطه تنگاتنگ در سطحی پیشرفته‌تر خود را در عوالم پندار و تخیل شاعرانه منعکس می‌کند.

▼ قربات فکر نوکانتی‌ها و نوهگلی‌ها

اگر چه نگرش کاسیرر جرقه بر برخی اختلاف‌های عمده با دیدگاه نوهگلی‌هایی چون آدورنو و هورکهایمر را مشتعل می‌کند، اما توجه به دو نکته در متن کاسیرر نشان می‌دهد وجوه اشتراکی نیز، دراین‌میان وجود دارد. نخست آن‌که کاسیرر چندان به تمایز میان اسطوره و جادو تنقید ندارد و در مواردی برای عرضه مصادیقی از نگرش اسطوره‌ای، شواهدی از دیدگاه جادوگران را پیش می‌کشد، سپس آن‌که، او به‌طرزی افلاطونی -هگلی - و باتوجه به نقدی که بر آرای پوزیتیویستی آگوست کنت دارد- چنان ارجی برای علم قائل است که نمی‌توان آن را از فلسفه تمیز داد، بنابراین علم و فلسفه نزد کاسیرر، معانی مشابهی می‌یابند. (علم به‌مثابه ناب‌ترین تجلی تفکر فلسفی) این نکات باعث می‌شود سنخ سخن کاسیرر در پذیرش برآمدن لوگوس از میتوس در یونان (گویی اسطوره نوعی شبه‌فلسفه است) با آن‌چه آدورنو و هورکهایمر بار د تمایز ذاتی اسطوره و فلسفه متافیزیکی به آن می‌رسند: «لیکن هیچ اثری نیست که بتواند بهتر از کتاب هومر، این متن بنیادین تمدن اروپایی، گواه فصیح درهم‌تنیدگی روشنگری و اسطوره باشد» و نیچه پیش‌تر نغمه آن را کوک کرده بود: «هومر آپولونی صرفاً در حکم ادامه‌دهنده آن فرایند عام بشری است که ما تقدّر از مدیون آن هستیم»، هم‌افق به‌نظر می‌رسد. این امر چه‌بسا با عطف اعتنا به این واقعیت که وجه غالب نگرش‌های قرن بیستم -خلاف نظریه‌های تضادبرانگیز قرن نوزدهم- سازش‌دادن دین و اسطوره با علم بود، چندان هم غریب ننماید.

حوزه ثبت ملک فشم- آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون عملیات تحدید حدود شش‌دانگ پلاک ۱۵۵۵فرعی از ۱۲۸ اصلی واقع در اینیک رودیار قصران بخش ۱۱ تهران به عمل نیامده‌است، لذا بحسب درخواست کتبی خانم معصومه کلکو فرزند ماشاله به شماره کد ملی ۵۹۱۵۴۶۹۰۴ هجری در تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ روز چهارشنبه ساعت ۸ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد.
بنابراین چنانچه مالکین مشاعی و مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی حقّی برای خود قائل هستند می‌توانند مستنداً به تبصره ۲ ماده واحده تعیین تکلیف پرونده‌های معترض ثبّتی مصوب ۱۳۷۳/۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی موضوع ماده ۱۶ قانون ثبت اعتراض خود نسبت به تحدید حدود را ظرف مدت ۳۰ روز کتبا به اداره ثبت فشم تسلیم و سپس ظرف مدت یک ماه دادخواست خود را به دادگاه عمومی حوزه مربوطه تسلیم و رسیدن آن را به اداره ثبت فشم ارائه نمایند.
در غیر اینصورت پس از سپری شدن مدت واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت به نام مالکان طبق مقررات اقدام خواهد شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان	شناسه آگهی: ۲۰۵۱۵۲۵
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبّتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی	شناسه آگهی: ۲۰۵۱۵۲۵
برابر آراء صادره هیات های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبّتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبّتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماهه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. ردیف-۱ برابر برای شماره ۱۴۱۵۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ هیات سوم مالکیت خانم مهری سعیدی به شناسنامه شماره ۹۰۴۰۴ کد ملی ۱۲۸۳۳۳۶۹۰۴ صادره اصفهان فرزند حسین در شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۰۵۰ متر مربع پلاک شماره ۱۵۱ اصلی واقع در بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت عیاسعلی نصراللهی زنای فرزند غلام علی تایید و محرز گردیده است. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶	شهریاری / رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شیروان	شناسه آگهی: ۲۰۵۴۵۶۲
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبّتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	شناسه آگهی: ۲۰۵۴۵۶۲
برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۲/۳۳۴ کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۴/۱۴۰۵۰۰۵۴۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبّتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبّتی حوزه ثبت ملک شیروان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای ابوالفضل دلیرباز به شناسنامه شماره ۱۸۲۸ کد ملی ۰۹۴۳۳۴۱۱۷ صادره فرزند عبدال در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۵۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۳۴ فرعی از ۷ اصلی ناحیه ۳ شیروان بخش ۵ قوچان حوزه ثبت ملک شیروان از محل مالکیت سلطان محمد علّائی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماهه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تارخ تسلیم اعتراض داد خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶	محمّد زارعی- رئیس ثبت اسناد و املاک

حوزه ثبت ملک خاوران تهران - آگهی فقدان سند مالکیت	م/الف/ ۱۵۶۸۷
شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در سمت غربی طبقه اول به مساحت ۸ مترمربع قطعه ۳ تفکیکی به پلاک ثبّتی ۳ فرعی از ۴۱۹۲ اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۷ حوزه ثبت ملک خاوران تهران، انباری شماره ۳ به مساحت ۳/۶ مترمربع مشخصات مالکیت: مالکیت اسماعیل / علی نادری فرزند - شماره شناسنامه - تاریخ تولد - دارای شماره ملی - با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۳۳۸۹۲ تاریخ ۱۳۸۵/۰۷/۰۷ دفترخانه ۴۵۵ تهران، سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۹۷۴۲۹۵ سری - سال ۲۰ که در صفحه ۱۶۹ دفتر املاک جلد ۱۴۲۸ ذیل شماره ۲۳۸۵۹۰ ثبت گردیده است. محدودیت: ندارد سپس آقای اسماعیل نادری با ارائه دو برگ استشهاد به شماره ۱۸۲۴۰-۱۸۲۴۰/۴۶/۱۴۰۴ دفترخانه ۱۱۶ تهران، با اعلام و گواهی امضا شده که به امضا شهود رسیده است عدمی است که اصل سند مالکیت به علت سهل انگاری مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت ملک مذکور را نموده. لذا مراتب بااستناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می‌باشد ظرف مدت ۱۵ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید. بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه‌کننده مسترد خواهد شد و پس از انقضا مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.	
غلامرضا غضنفری / رئیس حوزه ثبت ملک خاوران تهران / از طرف سید جواد طباطبائی جعفری	

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی	شناسه آگهی: ۲۰۵۴۳۸۷
آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت املاک یک قسمت از بخش ۲ شهرستان بجنودر به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک تحدید حدود شماره زیر: ۱-شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۴۳۲۵۷ مترمربع پلاک ۲۱ فرعی از ۱۶۷ اصلی اراضی قیاق بخش ۲ بجنودر مالکیت – دولت جمهوری اسلامی ایران با حق بهره‌برداری وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در روز دوشنبه بیست و چهارم آذرماه یک هزار و چهار (۱۴۰۴/۰۹/۲۴) ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی و مجاورین شماره‌های فوق‌الذکر به وسیله این آگهی اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی که در موقع مقرر حاضر نبوده‌اند مطابق ماده ۵ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحد قانون تعیین تکلیف پرونده‌های ثبّتی، معترضین می‌بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مراجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند.	مهدی سیاوشی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنودر
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۹/۱	

نقد فرهنگی

خواندن یا شنیدن کتاب فرقی ندارد



ابراهیم عمران

روزنامه‌نگار

در هفته کتاب برنامه‌هایی برای ترغیب عموم، از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود. در رادیو و در برنامه علمی‌اش کارشناسی آمد که حرف‌های قابل فهمی هم بیان کرده بود. ولی بین گفته‌هایش گاهی شرایط خاصی برای کتاب‌خوانی مطرح کرد. از جمله اینکه فضای خانه باید چنین باشد و مبل مخصوصی هم اگر باشد بهتر است برای خواندن و خوانش! البته این ویژگی‌ها را برای خودشان مفروض دانسته بود. انسان که برخی مربیان تغذیه و ورزش پیاده‌روی آهسته را قابل قبول نمی‌دانند و مقصود از پیاده‌روی را سریع و تند می‌دانند؛ غافل از اینکه این پیش‌شرط‌های بعضاً نادرست سبب زدگی ذهن و فکر می‌شود. اینها آمد تا گفته شود این بیان کارشناسان محترم، بعضی وقت‌ها نقض غرض عمل می‌کنند به‌نوعی در بیان تشویق و ترغیب به امری. تا جایی که جماعت مخاطب خویش را از اساس از هر چه ورزش و خواندن است، بیزار می‌کنند. کارشناسی اهل فرهنگ می‌آید و از مرگ کتاب‌های کاغذی می‌گوید؛ از کتاب‌های صوتی و فراگیرشدن آن حرف می‌زند. کارشناسی دیگر از بوی کاغذ کتاب صحبت به میان می‌آورد و اینکه تا این بورا حس نکنند، نمی‌تواند کتاب بخواند و او کتاب‌های صوتی و الکترونیکی را بی‌روح و بی‌جان می‌داند. یکی می‌گوید، مانایی کتاب‌های صوتی در ذهن کمتر است. ولی تصور کردن کتاب کاغذی به‌نسبت صوتی، اندک‌تر. دیگری از فرصت کم مطالعه می‌گوید. آن یکی از فواید کتاب صوتی با گویندگان خوش‌صدا می‌گوید که هم‌فالم است و هم تماشا. همه‌های درمی‌گیرد. هر یک سعی در بیان کاستی، ضعف‌ها و قوت کتاب‌خواندن سنتی و مدرن دارند. غافل از آنکه بینوا مخاطبی که احیاناً این برنامه‌ها را گوش می‌دهد از اساس نمی‌داند که چه کند. آیا اگر کتاب را بسان سابق بخزند و بوی آن را حس کنند، بهتر است یا اینکه حین رانندگی و کار، کتاب صوتی گوش دهند به صواب؟ در این برزخ کارشناسان پر مدعای ماند. چه که در این اوضاع ناهنجار اقتصادی منتظر آند تا گوشه و کنایه‌ای بشنوند که از امر خواندن فارغ شوند! به‌راستی چه فرقی دارد کتاب را ورق بزنیم یا بشنویم. در این برنامه‌هایی که در هفته کتاب‌خوانی برگزار می‌شود سعی باید در تشویق و تهییج به هم‌نشینی با کتاب باشد. کتاب را باید در سبد فرهنگی خانواده‌ها جای داد. به آنها گفت و باوراند که همدمی با کتاب چه ارمان‌هایی برایشان دارد. فرجام چند سال کتاب خواندن چه می‌تواند باشد. نخوه کتاب خواندن آنچنان مهم نیست. با دگرگونی‌های صنعتی، باالمال سطح نگرش‌ها تفاوت پیدا می‌کند. شمارگان کتاب مهم است. چند بار تجدید چاپ مهم‌تر است. میزان گوش دادن افراد بیشتری از جامعه به کتاب‌های صوتی اولی‌تر است. نه اینکه در پی نفی حالت‌های مختلف خواندن باشیم. در جامعه‌ای که شمارگان کتاب به عدد ۵۰۰ و زیر آن رسیده است و تازه این عدد، نصف‌اش هم سهم هدیه و کادو می‌شود، دیگر چه فرقی دارد که چگونه بخوانیم؟ در چه عوالمی سیر می‌کنند برخی کارشناسان فرهنگی و هنری؟ اینکه چرایی خواندن و نخواندن در جامعه‌ای را بدانند مهم‌تر است یا اینکه نوع خواندن؟ و تازه بیابند برای این مورد ساعت‌ها هم بحث کنند! آنکه خوره کتاب است به هر نحوی که مشتاق باشد خواهد خواند. دقت شود که «خواهد خواند» و اینجا خوانش به‌معنای تفکر و دیدن واژگان است. برای برخی خواندن، یعنی چرخش چشم بر کلمه‌ها و برای عده‌ای هم خواندن به‌معنای شنیدن است. آنان شنیدن را برتر از دیدن چشم می‌دانند و با آن لحظه‌ها می‌سازند. مهم هم نیست که کدام‌یک بهتر یا سوده‌مندتر است. فرجام آن آگاهی جمعی است. نگرش بهتر به پیرامون است. به‌راستی فرقی‌اش چیست که این تکه از کتاب چه‌شکلی دیده یا شنیده شود؛ آنجا که «پدر گفت به قول ایاز با دو دسته نمی‌توان بحث کرد؛ بی سواد و باسواد»! مهم فهم و درک کافی از کتاب‌هاست. پس نگوییم به صدای بلند که کتاب صوتی بهتر است یا کتاب کاغذی. بگذاریم هر که هر چه می‌پسندد عمل نماید. در پی روح کتاب باشیم؛ دیدن و شنیدن‌اش توفیری ندارد. «برای ایران کتاب بخوانیم یا بشنویم» صلاح در این است و بس…